خبر

افزایش ۶۵ درصدی صادرات از گلستان

رئیس صنعت، معدن و تجارت گلستان از صادرات ۱۸۶ میلیون دلار کالا از گلستان و افزایش ۶۵ درصدی صادرات از گلستان نسبت به سال گذشته خبر داد. حسینقلی قوانلو در گفتگو با مهر اظهار کرد: در هشت ماه گذشته ۱۸۶ میلیون دلار کالا از گلستان صادر شده است که نسبت به سال گذشته ۶۵ درصد افزایش داشته است. وی با بیان این‌که کل صادرات سال گذشته استان ۲۰۰ میلیون دلار بوده است، افزود: امید داریم بتوانیم تا پایان سال میزان صادرات را افزایش داده و به افزایش ۱۰۰ درصدی برسیم. رئیس صنعت، معدن و تجارت گلستان با اشاره به این‌که پنیر مهم ترین اقلام صادراتی گلستان در هشت ماه گذشته بوده است، ادامه داد: قطعات سوله، میله گرد، رب، خوراک دام و طیور و یُد عمده اقلام صادراتی استان در ماه‌های گذشته بوده است. وی اضافه کرد: بعد از سه سال کاهش حدود ۴۰ درصدی صادرات به ترکمنستان امسال ترکمنستان بازار هدف اصلی صادرات گلستان در هشت ماه گذشته بوده است و به عراق هم تقریباً مساوی با ترکمنستان صادرات داشته ایم. قوانلو از رشد دو برابری صادرات به قزاقستان نسبت به سال گذشته خبر داد و تصریح کرد: بعد از ترکمنستان و عراق، افغانستان و قزاقستان بازارهای هدف صادراتی گلستان هستند.

کاهش ازدواج در گلستان

مدیرکل ثبت احوال گلستان از کاهش ۵.۳ درصدی ازدواج و رشد ۱.۹ درصدی طلاق در هشت ماهه سال ۹۷ نسبت به مدت مشابه سال قبل در گلستان خبر داد. به گزارش مهر، ابوبکر دولو اظهار کرد: در سال ۹۶ حدود ۲۷ هزار و ۸۲۶ تولد در هشت ماهه اول در گلستان ثبت شده که این عدد در سال ۹۷ به ۲۵ هزار و ۵۵۰ رسیده که شاهد کاهش ۸.۲ درصدی ولادت هستیم. وی افزود: تعداد فوتی ها در هشت ماهه اول سال ۹۶، پنج هزار و ۸۱۹ نفر بوده که این رقم در سال ۹۷ حدود پنج هزار و ۹۲۷ نفر است که حدود ۱.۹ درصد رشد داشتیم. دولو گفت: همچنین ۱۰ هزار و ۳۸۷ ازدواج در سطح استان به ثبت رسیده که با توجه به رقم سال گذشته ۵.۳ کاهش ازدواج را شاهد هستیم. وی بیان کرد: در سال ۹۶ دو هزار و ۲۶۲ طلاق در هشت ماهه اول سال داشتیم که این عدد در سال ۹۷ به دو هزار و ۳۰۶ نفر رسیده که رشد ۱.۹ درصدی اتفاق افتاده است. دولو اضافه کرد: یک میلیون و ۳۹۷ هزار و ۲۱۷ نفر در گلستان واجد شرایط کارت ملی هوشمند هستند که ۸۱ درصد موفق به گرفتن کارت شده و ۱۹ درصد جمعیت معادل ۲۶۵ هزار و ۴۳۶ نفر باقی مانده اند. وی با بیان این که از سال ۱۳۰۵ صدور شناسنامه در گلستان صورت می گیرد، تأکید کرد: در زمینه صدور کارت ملی هوشمند در استان ۴۵۴ ایستگاه فعال داریم که ۲۷ دفتر پیشخوان روستایی و شهری، ۱۳ دفتر پست، ۶ ایستگاه سیار را فعال کردیم. مدیرکل ثبت احوال استان گلستان اظهار کرد: ۱۲۰ دستگاه اجرایی به پایگاه ثبت احوال متصل هستند و حذف کپی اسناد، صدور کارت ملی هوشمند، امضای دیجیتال و تولید و انتشار آمار انسانی و جمعیتی از جمله اقدامات ما است. وی خاطرنشان کرد: اطلاعات ما مستمر است و آماری که تولید می کنیم قانونی است.دولو با بیان این که بعد از تحریم های انجام شده برای لاشه کارت مشکل ایجاد شد، گفت: با پیگیری های انجام شده صدور کارت هوشمند ملی بومی سازی شده و تلاش سازمان ثبت احوال پایان پروژه صدور کارت هوشمند ملی تا پایان سال است.

راه اندازی سینما سیار در گلستان

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان گفت: در آستانه فرا رسیدن چهلمین سال پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، شهرهای استان از خدمات سینما سیار بهره مند می شوند. به گزارش ایرنا به نقل از روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد گلستان، عادله کشمیری اظهار داشت: در این طرح فیلم های روز سینمایی کشور با هدف غنای اوقات فراغت در شهرهای فاقد سینما و روستاهای مرزی به نمایش در می آید. وی گفت: اجرای این طرح در راستای سیاست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ارایه خدمات با کم ترین هزینه در مناطق کم بهره و محروم از سینما است.

پرندگان مهاجر قربانی می‌شوند

کارگروه سلامت و امنیت غذایی گلستان شکار پرندگان را به دلیل احتمال شیوع آنفلوآنزای مرغی ممنوع کرد ولی محیط زیست می گوید دستور ملی در این رابطه صادرنشده و گلستان هم نمی تواند ممنوع کند. به گزارش مهر، سالانه بیش از ۱۲۰ گونه پرنده مهاجر آبزی و کنارآبزی از ابتدای پاییز تا انتهای زمستان به تالاب‌های استان گلستان سفر می‌کنند اما به جای میزبانی شایسته، شکار می شوند. گلستان دارای حدود ۳۰ هزار هکتار منابع آب برای زمستان‌گذرانی پرندگان مهاجری است که هر ساله از مناطق شمالی سیبری و اسکاندیناوی به استان گلستان و به ویژه تالاب‌های بین المللی گمیشان، آلاگل، آجی گل و آلماگل سفر می‌کنند. مطابق آمار منتشره از سوی اداره کل حفاظت محیط زیست گلستان سال گذشته ۳۶۵ هزار و ۴۵۶ پرنده مهاجر از جمله قوها، غازها، اردک‌ها و پلیکان‌ها از گونه‌های کنارآبزی و بالابان، کرکس مصری، اردک سرسفید و عروس غاز که از گونه‌های در معرض انقراض هستند در گلستان سرشماری شدند. در سال‌های ۹۵ و ۹۶ با شیوع آنفلوآنزای فوق حاد پرندگان، شکار پرندگان در گلستان ممنوع شد و امسال هم کارگروه سلامت و امنیت غذایی استان گلستان با صدور پروانه شکار در گلستان مخالفت کرد.رئیس کارگروه سلامت و امنیت غذایی استان اظهار کرد: اداره کل محیط زیست گلستان طرحی را به کارگروه سلامت آورد تا بتوانند مطابق سنوات گذشته برای افراد دارای سلاح شکاری، پروانه شکار صادر کند که این موضوع مورد مخالفت کارگروه قرار گرفت و مصوب نشد. عبدالرضا چراغعلی از پرندگان مهاجر به عنوان سرمایه‌ها و آینده گردشگری استان نام برد و افزود: از سال‌های دور پدران و اجداد ما میزبان شایسته‌ای برای این میهمانان که ارزش بالایی دارند، بودند و شایسته نیست ما هم‌اکنون برای تفریح به این پتانسیل‌های گردشگری لطمه بزنیم.

عصر تفریح با شکار پرندگان به پایان آمده

وی ادامه داد: دیگر عصر تفریح با شکار پرندگان به پایان آمده است و اگر هم عده‌ای به دلیل نیازمندی و امرار معاش پرندگان مهاجر را شکار می‌کنند، متعهد می‌شویم از محل کمک خیّرین تأمین جایگزین کنیم. رئیس کارگروه سلامت و امنیت غذایی گلستان گفت: استان گلستان یکی از قطب‌های تولید گوشت مرغ کشور است و آنفلوانزا تهدید جدی برای اشتغال، صنعت و اقتصاد استان و کشور است. وی اضافه کرد: به دنبال ایجاد نهضتی برای تحویل سلاح‌هایی که در دست مردم استان است هستیم، چرا که معتقدیم هیچ نیازی نیست در خانه‌ها سلاح باشد. چراغعلی خاطرنشان کرد: ما معتقدیم در فرآیندی باید تمام سلاح‌های مجاز و پروانه‌دار جمع‌آوری شود و امیدواریم با کمک اصحاب رسانه، چهره‌های فرهنگی و شاخص استان و اجرای طرح ممنوعیت شکار در استان به این مهم دست یابیم.هرچند رئیس کارگروه سلامت و امنیت غذایی استان بر اجرای طرح ممنوعیت شکار پرندگان در گلستان اصرار دارد و معتقد است عصر تفریح با شکار پرندگان به پایان رسیده اما مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان اعتقاد دارد که عدم صدور پروانه شکار راه مطمئنی برای جلوگیری از شیوع آنفلوانزای فوق حاد پرندگان نیست و تهدید هم محسوب می‌شود.امیر عبدوس اظهار کرد: صادر نشدن پروانه شکار در سال گذشته مصوبه ستاد ملی مقابله با آنفلوانزای مرغی بود اما امسال این ستاد چنین مصوبه‌ای نداشت. وی با تأکید بر این‌که تصمیم‌گیری در خصوص صدور پروانه شکار در سطح ملی انجام می‌شود و نمی‌توانیم برای ممنوعیت شکار در گلستان در کارگروه سلامت استان تصمیم‌گیری کنیم، گفت: اگر موضوع صدور پروانه شکار در کارگروه سلامت استان مطرح شد از این باب بود که کارگروه سلامت و دستگاه‌های متولی در جریان باشند که امسال ممنوعیتی برای صدور پروانه شکار در سطح ملی وجود ندارد و هم دستگاه‌های متولی در جریان باشند و هم اگر توصیه و یا الزاماتی در این زمینه هست، اعلام کنند.

هیچ نمونه مشکوکی در گلستان تایید نشد

مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان افزود: در کارگروه سلامت به ما گفتند دو هفته صبر کنید، ببینیم در طیور وحشی استان نمونه مبتلا مشاهده می‌شود یا خیر و در این مدت هم ما تمام نمونه‌های مشکوک را به دامپزشکی ارسال کردیم و هیچ نمونه‌ای در طیور وحشی ما تایید نشده است.وی با بیان این‌که حتی در استان‌های همجوار که نمونه مبتلا به آنفلوانزای فوق حاد پرندگان در طیور وحشی مشاهده و اثبات شده بود، هم پروانه شکار صادر شده است، ادامه داد: ما عملاً پس از ۱۷ روز (از ۱۴ آذر) مبادرت به صدور پروانه کردیم و پروانه‌های صادره تا پایان مهلت‌شان (۴۵ روز پس از صدور پروانه) دارای اعتبار هستند.وی به دلایل صدور پروانه شکار در سالجاری اشاره و بیان کرد: مجموعه کارگروه‌ها در سطح ملی به این نتیجه رسیدند که عدم صدور پروانه شکار هیچ راهکار مطمئنی برای مقابله با آنفلوانزا نیست بلکه تهدید هم هست چرا که وقتی ما پروانه شکار صادر نمی‌کنیم و هیچ آموزشی به شکارچی نمی‌دهیم، شکارچی بدون کنترل و نظارت ما وارد شکار می‌شود و ماهم به شکارچی دسترسی نداریم. عبدوس تصریح کرد: صدور پروانه شکار باعث شد ما امسال به همه شکارچیان دسترسی پیدا کرده و برای نخستین بار در کشور برای همه آن‌ها کارگاه آموزشی برگزار کنیم و توصیه‌ها و الزامات را به گوششان برسانیم و خیلی از اهداف‌مان را که در ارتباط با فرهنگسازی برای کنار گذاشتن شکار و تبدیل اسلحه شکارچیان به دوربین عکاسی است، به آن‌ها منتقل کردیم. وی با اشاره به این‌که در هفته نخست حدود سه هزار پروانه شکار پرندگان خشکی‌زی و آبزی در گلستان صادر شد، گفت: همه کسانی که تاکنون پروانه شکار دریافت کرده‌اند حداقل سه ساعت دوره آموزشی گذرانده‌اند و شکار پرندگان آبزی تا پایان بهمن‌ماه و پرندگان خشکی‌زی تا ۱۵ بهمن‌ماه در استان ادامه دارد. عبدوس در پایان متذکر شد: صادر نشدن پروانه شکار هیچ کمکی به عدم شیوع آنفلوانزا نمی‌کند و موضوع پرندگان وحشی از طیور اهلی جداست و انتقال آنفلوانزای فوق حادِ پرندگان از طیور وحشی به اهلی در استان کاملاً منتفی است.هرچند آمار مشخصی از تعداد پرندگان مهاجری که با صید و شکار در گلستان قربانی می‌شود وجود ندارد اما آن‌چه مشخص است این‌که هنوز حیات وحش و پرندگان قربانی زیاده‌خواهی ما انسان‌ها می‌شوند.

آگهی تشکیل مجمع عمومی سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان گلستان (نوبت اول)

بدینوسیله از کلیه اعضاء محترم دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی نوبت اول که راس ساعت ۱۳ روز یکشنبه مورخ ۹۷/۱۰/۱۶ در محل سازمان به آدرس: گرگان ـ خیابان ولیعصر ـ عدالت ۳۴، اولین فرعی سمت چپ، پلاک ۱۰ تشکیل می گردد حضور بهم رسانید.

دستور جلسه:

۱ ـ تصویب صورتهای مالی منتهی به ۹۷/۶/۳۱ ۲ ـ تصویب بودجه سالیانه ۱۳۹۷ ۳ ـ تعیین روزنامه رسمی ۴ ـ انتخاب بازرس ۵ ـ سایر موارد که در اختیار مجمع عمومی است.

آگهی‌های ثبتی

تاسیس شرکت سهامی خاص ره پویان تامین آتیه هیرکان

درتاریخ ۳۰/۰۵/۱۳۹۷ به شماره ثبت ۱۱۷۳ به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۷۹۶۳۷۶ ثبت و امضا ذیل دفترتکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع فعالیت :کلیه فعالیتهای بازرگانی ، خدماتی ، اداری ، نظافتی ، گمرکی از قبیل صادرات و واردات ، تایپ و تکثیر ، حفظ و نگهداری فضای سبز شهری ـ ادارات، عقد قرارداد و مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی در کلیه امور فوق، شرکت در مناقصات و مزایده ها ، اخذ وام و اعتبار از کلیه بانکها و موسسات معتبر داخل و خارج از کشور ، اخذ و تاسیس نمایندگی از ادارات و شرکت ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی داخل و خارج از کشور در کلیه موارد در صورت لزوم پس از اخذ مراجع ذیصلاح درصورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی : استان گلستان ـ شهرستان کردکوی ـ بخش مرکزی ـ شهر کردکوی ـ محله شهیدشهری ـ کوچه ابراهیم زاده ـ کوچه اسکندر ترک ـ پلاک ۰ ـ طبقه همکف ـ کدپستی ۴۸۸۱۹۳۵۷۵۶ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۷۰۰۰۰۰ ریال نقدی منقسم به ۱۰۰ سهم ۱۷۰۰۰ ریالی تعداد ۱۰۰ سهم آن با نام عادی مبلغ ۱۷۰۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۸۴۳ مورخ ۰۸/۰۵/۱۳۹۷ نزد بانک بانک رفاه کارگران شعبه ولیعصر با کد ۸۴۳ پرداخت گردیده است اعضا هیئت مدیره آقای محمد تقی فرزبود به شماره ملی ۲۱۲۲۰۹۱۱۷۷ و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای محمد مهدی عربی نوده به شماره ملی ۲۱۲۲۱۰۷۳۲۴ و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال خانم محبوبه ربانی به شماره ملی ۲۱۲۲۶۵۳۰۶۱ و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا : کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری باامضاء مدیر عامل یا رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.. اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه بازرسان آقای بیژن جرجانی به شماره ملی ۲۱۲۱۶۵۱۲۸۴ به سمت بازرس علی البدل به مدت یک سال مالی آقای سید رحمان میرآئیز به شماره ملی ۲۱۲۲۴۷۳۶۲۲ به سمت بازرس اصلی به مدت یک سال مالی روزنامه کثیر الانتشار گلشن مهر جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان ـ مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری کردکوی ـ شناسه آگهی ۳۲۳۸۴۱

آگهی ابلاغ اجراییه ماده ۱۸ آیین نامه اجرا

بدینوسیله به آقای محمود امیری فرزند علیرضا شناسنامه شماره ۲۷۱ صادره از گرگان ساکن گرگان جوادیه خ شهید دادیان ۲ صدوقی ۱۷ ابلاغ می شود که خانم طاهره پیرانی جهت وصول تعداد ۱۱۴ عدد سکه کامل بهار آزادی استناد مهریه مندرج در سند ازدواج شماره ۲۴۴۲۷ دفتر ۲ گرگان علیه شما اجراییه صادر نموده و پرونده اجرایی به کلاسه ۹۷۰۰۸۰۳ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مامور، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرا مفاد اجراییه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید عملیات اجرایی جریان خواهد یافت.

کفیل اداره اجرای گرگان ـ حکم آبادی ـ ۲۲۶۶ م الف

آگهی ابلاغ اجراییه پرونده اجرایی کلاسه ۹۷۰۱۳۰۷ اداره اجرای اسناد رسمی گرگان طبق مقررات ماده ۱۸ آیین نامه اجرا

بدینوسیله به آقای اسداله نکاهی فرزند صادقعلی ش ش ۲۱۱۰۰۹۶۳۰۶ صادره از گرگان کدملی ۲۱۱۰۰۹۶۳۰۶ به عنوان بدهکار به آدرس گرگان خ شهدا لاله ۱۲ (متن سند) و کردکوی میدان شهرداری به سمت بندرترکمن کوچه چاپخانه مهدیه سمت چپ منزل علی زرگران پرونده اجرایی کلاسه فوق ابلاغ می گردد که خانم عطیه ساورعلیا فرزند غلامرضا به استناد سند ازدواج به شماره ۶۳۲۹ ـ ۹۰/۴/۲۹ تنظیمی دفترخانه ازدواج ۹ گرگان جهت وصول طلب خود مبادرت به صدور اجراییه علیه شما را نموده و طلب خود را به شرح موضوع لازم الاجرا به تعداد ۴۹۹ عدد سکه یک طلای بهار آزادی که ۲۵۰ عدد سکه عندالاستطاعه و ۲۴۹ عدد عندالمطالبه و الباقی تعداد یک عدد سکه طلای بهار آزادی به قوت خود باقی است و چون طبق گواهی مامور ابلاغ امکان ابلاغ اجراییه به علت مورد شناسایی قرار نگرفتن و همچنین به نشانی جدید ابلاغ واقعی میسر نگردیده و بستانکار نیز طبق نامه وارده شماره ۱۱۳۴۱ ـ ۹۷/۹/۲۸ درخواست درج آگهی در روزنامه را نموده لذا مراتب مفاد اجراییه به شرح فوق با درج یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار در اجرای مقررات ماده ۱۸ آیین نامه اجرا آگهی می گردد چنانچه پس از ابلاغ اجراییه که ده/ ۱۰ روز پس از تاریخ انتشار محسوب می شود نسبت به تعهد خود عمل ننمایید حسب درخواست بستانکار عملیات اجرایی پیگیری میگردد و جز این آگهی، آگهی دیگری جهت ابلاغ اجراییه صادر نخواهد شد.

مدیر اجرا واحد اجرای اسناد رسمی گرگان ـ نعمت اله عظیمی پور ـ ۲۲۶۵ م الف

آگهی ابلاغ اجراییه کلاسه: ۹۷۰۰۶۴۴

بدین وسیله به آقای هادی شیخی فرزند محمدولی به شماره ملی: ۲۱۲۱۹۶۵۱۷۳ و ش ش ۱۱۷۶ و بنشانی گرگان کوی گلها بهاران ۴ بدهکار پرونده (ضامن) ابلاغ می گردد بانک پاسارگاد باستناد قرارداد شماره ۳۵۰۱/۱۰۴۱۷۸۳۰/۱ با موضوع لازم الاجرا ۷۰/۷۱۷/۹۶۷ ریال بانضمام خسارت قانونی بر علیه شما و آقای حمیدرضا شیخی مبادرت به صدور اجراییه نموده که با کلاسه پرونده ۹۷۰۰۶۴۴ تشکیل و برابر گزارش مامور اجرا در آدرس تعیین شده مورد شناسایی قرار نگرفتید و بستانکار هم نتوانسته شما را معرفی نماید لذا به تقاضای بستانکار و برابر ماده ۱۸ ـ آیین نامه اجرا مفاد اسناد رسمی اجراییه در یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار مجاز محل یا نزدیکترین به محل چاپ و درج و منتشر می گردد چنانچه پس از ۱۰ روز از تاریخ انتشار که تاریخ ابلاغ اجراییه محسوب می گردد نسبت به پرداخت بدهی اقدامی ننمایید عملیات اجرایی بر علیه شما تعقیب و بجز این آگهی و آگهی مزایده در صورت بازداشت اموال آگهی دیگری صادر و منتشر نخواهد شد. ضمنا اجراییه در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۲۲ به آقای حمیدرضا شیخی ابلاغ گردیده است.

حسین اسماعیلی ـ معاون ثبت گرگان ـ ۲۲۶۳ م الف

آگهی ابلاغ اجراییه کلاسه: ۱۳۹۷۰۴۰۱۲۴۲۲۰۰۰۱۸۵/۱

بدینوسیله به آقایان منصور خسروی، نام پدر: نوروز، شماره شناسنامه: ۹۹۵، شماره/شناسه ملی: ۴۸۸۹۲۳۸۶۶۲ متولد: ۱۳۵۱/۱/۱ و حسن کسرائی ثانی مقدم، نام پدر: غلامحسین، شماره شناسنامه: ۵۰۰، شماره/ شناسه ملی: ۴۸۶۹۳۶۶۷۹۷ متولد ۱۳۵۱/۹/۲۷ و حسن پیروزی نام پدر: محمد، شماره شناسنامه: ۲۹۲، شماره /شناسه ملی: ۲۰۳۱۵۳۴۷۴۲ متولد: ۱۳۴۹/۳/۱ مدیونین پرونده کلاسه ۱۳۹۷۰۴۰۱۲۴۲۲۰۰۰۱۸۵/۱ که برابر گزارش مورخه ۱۳۹۷/۸/۲۹ مامور ابلاغ به آدرس تعیین شده شناخته نگردیده اید ابلاغ می گردد که برابر قرارداد شماره ۱۷۸۶۰۲۲۶۹ مورخه ۱۳۸۶/۶/۲۷ بین شما و بانک سپه شعبه گالیکش مبلغ ۵۸/۶۰۳/۱۵۵ ریال بدهکار می باشید که بر اثر عدم پرداخت وجه بستانکار درخواست صدور اجراییه نموده پس از تشریفات قانونی اجراییه صادر و بکلاسه فوق در این اجرا مطرح می باشد لذا طبق ماده ۱۸/۱۹ آیین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی به شما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجراییه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه منتخب چاپ و درج و منتشر می گردد و ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر این صورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرایی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.

۲۲۶۲ م الف

آگهی ابلاغ بازداشت اموال منقول نزد شخص ثالث

بدینوسیله به آقای احمد صفار تلوری نام پدر: علی اوسط تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۶/۲۵ شماره ملی: ۲۲۴۸۸۸۰۴۹۹ شماره شناسنامه: ۶۴۲ به نشانی: بندرگز ـ لیوان شرقی ابلاغ می شود در خصوص پرونده کلاسه ۹۷۰۰۱۴۳ طبق محاسبه حسابداری این واحد تا تاریخ ۱۳۹۷/۹/۲۰ مبلغ ۳۴/۳۶۵/۱۳۸ ریال به بانک سپه شعبه بندرگز بانضمام مبلغ ۱/۶۹۳/۲۵۷ ریال حقوق دولتی به صندوق ثبت بدهکار می باشید و بستانکار جهت استیفای طلب خود طی نامه وارده شماره ۱۳۹۷۰۵۰۱۲۴۱۹۰۰۲۲۵۱ ـ ۱۳۹۷/۹/۱۷ تقاضای توقیف و بازداشت حساب شماها را در بانکها و موسسات اعتباری در سطح شهر بندرگز را نموده که در این خصوص بازداشتنامه شماره ۱۳۹۷۰۴۹۱۲۴۱۹۰۰۰۸۵۷ ـ ۱۳۹۷/۹/۲۰ تهیه و به کلیه بانکها و موسسات مربوطه ابلاغ گردیده، با توجه به اینکه محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده لذا فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود چنانچه به تعهدات خود اقدام ننمایید عملیات اجرایی برابر مقررات طبق تقاضای بستانکار علیه شما تعقیب خواهد شد.

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی بندرگز ـ بهزاد دلدار ۲۲۵۰ م الف

آگهی ابلاغ اجراییه به استناد ماده ۱۸ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی کلاسه بایگانی ۹۷۰۰۱۸۴

بدینوسیله به: ۱ ـ شرکت صنعت کاران توسعه گلستان با امضا خانم مریم لشکربلوکی بعنوان مدیرعامل و محمدباقر جمال لیوانی بعنوان رییس هیات مدیره محمدابراهیم لشکربلوکی نائب رییس شماره ثبت: ۵۶۱ تاریخ ثبت: ۱۳۸۰/۵/۲۴ شناسه ملی: ۱۰۸۶۲۰۲۴۹۹۶ به نشانی: بندرگز ـ سه راه بندرگز ـ ۱۰۰ متر بطرف پلیس راه نوکنده(وام گیرنده و متعهد) و ۲ ـ آقای حمیدرضا شربتی نام پدر: نجیب اله تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۵/۲۰ شماره ملی: ۲۲۴۹۵۹۴۰۸۲ شماره شناسنامه: ۶ به نشانی: بندرگز ـ روستای گل افرا ـ جنب مدرسه روستا(ضامن و متعهد) اعلام می دارد بانک سپه شعبه بندرگز جهت وصول مبلغ ۲۵۰/۷۵۷/۹۸۰ ریال (دویست و پنجاه میلیون و هفتصد و پنجاه و هفت هزار و نهصد وهشتاد ریال) موجب قرارداد بانکی شماره ۸۳۰۰۰۴۴ تاریخ: ۱۳۸۳/۱/۱۹ درخواست صدور اجراییه نموده که پس از تشریفات قانونی اجراییه صادر و بکلاسه بایگانی ۹۷۰۰۰۷۴ در این اجرا مطرح می باشد. برابر گزارش مامور ابلاغ ثبت اسناد و املاک بندرگز، محل اقامت شما مندرج در متن سند قرارداد بانکی فوق الذکر مورد شناسایی قرار نگرفته است، لذا طبق ماده ۱۸ ـ آیین نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی بشما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجراییه محسوب می شود و فقط یک نوبت در روزنامه درج و منتشر می گردد و آگهی دیگری به منظور ابلاغ اجراییه منتشر نخواهد شد. ظرف مدت بیست روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام نمایید، عملیات اجرایی طبق مقررات و برابر تقاضای بستانکار علیه شما تعقیب خواهد شد.

۲۲۴۹ م الف

آگهی ابلاغ بازداشتنامه

بدینوسیله به آقای رمضان استارمی نام پدر: علی تاریخ تولد: ۱۳۱۴/۸/۳ شماره ملی: ۲۱۸۰۴۴۳۶۶۸ شماره شناسنامه: ۱۷۱ بنشانی: بندرگز ـ روستای گز شرقی ـ جنب پایگاه بسیج و آقای علی خاکی نام پدر: رمضانعلی تاریخ تولد: ۱۳۵۹/۵/۲۸ شماره ملی: ۲۲۴۹۷۸۴۸۷۶ شماره شناسنامه: ۲۶ به نشانی: بندرگز ـ بانک مسکن شعبه بندرگز و آقای روح اله استارمی نام پدر: رمضان تاریخ تولد: ۱۳۵۷/۱۱/۱ شماره ملی: ۲۱۸۰۴۴۷۳۲۹ شماره شناسنامه: ۵۳۷ به نشانی: بندرگز ـ روستای گز شرقی ـ کوچه مسجد جامع اعلام می شود طبق محاسبه حسابداری این واحد تا تاریخ ۱۳۹۷/۹/۲۰ ، مبلغ ۲۱۲/۵۷۱/۷۹۷ ریال به بانک سپه شعبه بندرگز بانضمام مبلغ ۱۰/۵۹۸/۵۹۰ ریال حقوق دولتی به صندوق ثبت بدهکار می باشید و بستانکار جهت استیفای طلب خود طی نامه وارده شماره ۱۳۹۷۰۵۰۱۲۴۱۹۰۰۲۲۲۰ ـ ۱۳۹۷/۹/۱۳ تقاضای توقیف و بازداشت حساب شما را در بانکها و موسسات اعتباری در سطح شهر بندرگز را نموده که در این خصوص بازداشتنامه شماره ۱۳۹۷۰۴۹۱۲۴۱۹۰۰۰۸۵۹ ـ ۱۳۹۷/۹/۲۰ تهیه و به کلیه بانکها و موسسات مربوطه جهت ابلاغ ارسال گردید با توجه به اینکه محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده و ابلاغ واقعی نیز در آدرس جدید اعلامی متعهد له میسر نگردیده لذا فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود چنانچه به تعهدات خود اقدام ننمایید عملیات اجرایی برابر مقررات طبق تقاضای بستانکار علیه شما تعقیب خواهد شد.

مدیر اجرا واحد اجرای اسناد رسمی بندرگز ـ بهزاد دلدار ـ ۲۲۴۸ م الف

خبر

طرح بررسی میزان ضریب ایمنی مدارس گلستان اجرا می شود

رئیس سازمان نظام مهندسی گلستان گفت: طرح بازدید رایگان از مدارس استان در راستای ایمن‌سازی را اجرا می کنیم و در این طرح، میزان ضریب ایمنی مدارس بررسی می شود. به گزارش مهر، حسین ویزواری با اشاره به حادثه دلخراش آتش سوزی مدرسه ای در زاهدان، اظهار کرد: این حادثه بسیار تکان دهنده بود و ما را بر آن داشت تا اجازه بروز چنین حوادثی را در استان گلستان ندهیم. وی افزود: طرح بازدید رایگان از مدارس استان در راستای ایمن‌سازی را اجرا می کنیم و برای نخستین بار در کشور این کار صورت می گیرد.ویزواری با بیان این که این طرح میزان ضریب ایمنی مدارس را بررسی می کند، ادامه داد: پیوست این طرح را به سازمان نظام مهندسی کشور ارسال کرده‌ایم و امیدواریم این طرح در سراسر کشور اجرا شود.ویزواری گفت: با بسیاری از ارگان‌ها و نهادها از جمله سازمان بهزیستی، آموزش و پرورش، نوسازی مدارس، شرکت گاز و غیره هماهنگ بوده و در راستای ایمن سازی مدارس حرکت می کنیم.وی بیان کرد: علاوه بر اجرای طرح بازدید از مدارس استان، طرح بازدید از بافت‌های فرسوده از جمله مراکز تجاری و مسکونی به ویژه تکایا و مساجد تاریخی استان را در دستور کار خود قرار داده‌ایم و این طرح هم همانند مدارس به صورت رایگان در نقاط مختلف استان اجرایی می‌شود.ویزواری تصریح کرد: برای مدارس کانکسی و کپری، آموزش و پرورش استان گلستان باید اطلاعات لازم این مدارس را در اختیار ما قرار دهد و ما هم بر حسب وظیفه به دورترین نقاط استان که این مدارس وجود دارد سرکشی کرده و ضریب ایمنی این مدارس را بسنجیم و نقاط ضعف آنرا برطرف کنیم.وی در پایان خاطرنشان کرد: این طرح در هفته آینده بر اساس تفاهم‌نامه‌ای با مسئولان مربوطه در استان امضاء و اجرایی می‌شود.

گوشت گوسفندی مغولستان وارد بازار گلستان می شود

مدیرکل شرکت پشتیبانی امور دام سازمان جهاد کشاورزی گلستان گفت: نخستین محموله ۱۰ تنی گوشت گوسفندی از کشور مغولستان با هدف کنترل بازار در روزهای آینده وارد بازارهای استان می شود. محمدرضا جامی در گفتگو با ایرنا اظهار داشت: قیمت گوشت گوسفندی منجمد وارداتی بر اساس نوع قطعه بندی لاشه آن متفاوت بوده و کیلویی بین ۳۰۰ هزار تا ۴۰۰ هزار ریال تعیین و در اختیار مصرف کننده قرار می گیرد. وی همچنین از ورود سیزدهمین محموله گوشت گوسفندی لاشه سرد از استرالیا به وزن چهار تن و ۴۰۰ کیلوگرم به استان خبر داد و افزود: این محموله از طریق فروشگاه های معتبر استان در حال عرضه است. جامی اضافه کرد: از شهریور امسال تاکنون ۷۴ تن گوشت گوسفند لاشه سرد وارداتی و ۴۹۵ تن گوشت گوساله منجمد وارداتی به ارزش نزدیک به ۱۷۵ میلیارد ریال وارد استان شده و به فروش رسید.

شرکت معتبر تولید رنگ های ساختمانی
به یک نفر کارمند بازاریاب فروش جهت فعالیت در استان گلستان، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خراسان جنوبی و مازندران نیازمند است.
تلفن ۴-۰۲۱۶۶۵۵۵۵۹۲
داخلی ۱۱ حقوق ثابت
+بیمه+پورسانت+هزینه

نسخه اینترنتی روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

یادداشت

آفرین نامه

حامد روشنی راد

بوشکور بلخی از مهمترین و نخستین آثار حکمی و اخلاقی پارسی است که به نوح سامانی اهداء شده و عمیقاً متأثر از اندیشهٔ ارسطویی و افلاطونی ایرانی خصوصاً در اخلاق است. از آن بیش از همه در کتاب لغتِ فرس اسدی طوسی به عنوان شاهد برای لغتْ آمده و نیز در کتابهای بلاغت نظیرِ ترجمان البلاغه (قرن ۶) و لباب الالبابِ عوفی (۶۱۷ ق) و کتب اخلاقی مانند قابوسنامه (۴۷۵ ق) و تحفه الملوک. و همه در لغتنامهٔ دهخدا مدخل بوشکر بلخی مفصلاً آمده است. این نخستین رسالهٔ منظوم در نوع خود است که در سال ۳۳۳ هجری نوشته شده بوشکور در بیتی که منبع نیمی از اطلاعات ما از زندگی اوست میگوید:

بر این داستان کش بگفت از فیال
ابَر سیصد و سی و سه بود سال.

و در بیتِ دیگر میگوید در این هنگام ۳۳ سال داشته؛ یعنی تولد او ۳۰۰ هجری قمری است (۷۰ سال قبل از تولد ابن سینا و ۳۰ سال قبل از تولد فردوسی). بوشکور خصوصاً بر فردوسی بسیار متأثر بوده چه در زبان و چه در اندیشه. (آفرین نامه از نخستین نمونه های مثنوی به وزن متقارب است، که فردوسی آن را به اوجِ رساند، و همچنین است شباهت لحن و فخامت زبان این دو شاعر). متأسفانه به دلیل فقدانِ نسخهٔ واحدی از این منظومه پیدا کردنِ ساختار کتاب دشوار است. فرضاً دو بیتِ زیر را که من به دنبال یکدیگر آوردم معناً و اهمیت بسیاری به هر دو بیت می دهد:

خرد برتر از چشم و بینایی است
نه بینایی افزون ز دانایی است
گُهَر گرچه بالا نه بیش از هنر
ز بهر هنر شد گرامی گهُر.

گرچه محمود مدبری این دو را با چند بیت اختلاف ذکر کرده. اما فرضاً اگر ترتیب این دو بیت اینگونه باشد یعنی میان «هنر» و «خرد» از یک طرف و از طرفِ دیگر میان «بینایی» و «گهر» ارتباط و شباهت برقرار است. یعنی خرد از بینایی برتر است درست همانگونه که هنر از گهر برتر است. زیرا این خردی که در زبان بوشکور استفاده میشود نوعی به زبانِ یونانی «هکسیس» یا ملکه است، و لذا اکتسابی است و آموختنی زیرا نوعی فضیلت است. اما فرضاً بینایی چنین نیست زیرا همهٔ جانوران این قوه را دارند و برای کسب آن تلاش نمیکنند. اما خرد اینگونه نیست، و گرچه بسیار مبتنی بر اوصافِ سرشتین و گوهرین انسانهاست، اما در هر حال مانند «هنر» امری اکتسابی است. البته در ابیاتِ دیگری بوشکور از خرد به مثابهٔ نوعی جوهر مفارق نیز سخن میگوید هنگامی که میگوید «خرد چون ندانی بیاموزدت» اما در مجموع خرد در بوشکور بخشی از نفس انسان است که با دو بخش دیگر نفس (یعنی شهوت و آرزو) همراه و بر آنها حکفرماست، که آشکارا اندیشه ای افلاطونی است که در جمهوری نخستین بار آمده. (بعداً دربارهٔ فردوسی خواهم گفت این دو مفهوم «شهوت و آرزو» را فردوسی در مفهومِ خاص یعنی «جان» و در مقابل خرد بکار برده و معنایی بسیار خاص به آن میبخشد. دربارهٔ خداوند جان و خرد در آغاز شاهنامه سخنهای بسیاری گفته‌شده‌وهنوزهست).

اما میتوان کل ۴۲۹ بیتِ آفرین نامه را که محمود مدبری در کتاب «شعر شاعران بی دیوان»، تصحیح و گردآوری کرده را ذیل ۱۰ یا ۱۵ عنوان گنجاند مانند: «خرد، دانش، سخن، شکیبایی، شجاعت، حکمت، عدل و نیک و بد و مانند آن». اما یافتنِ ترتیب میان ابیات و بازسازی محور عمودی منظومه، که شرطِ امکانِ فهم کلیتِ اندیشهٔ یک شاعر است، کار بسیار دشواری است. بوشکور در کنار شهید بلخی و رودکی سه اندیشمند و ادیب (اگر مجاز باشیم چنین بگوییم) «پیشافردوسی» هستند که سرچشمه های انسان شناسی و حکمت عملی در سخنِ فارسی به آنها باز میگردد. منوچهری دامغانی در بیتی از این سه حکیم در کنار بوالفتح بُستی با عنوان «حکیمان خراسان» یاد میکند و از انقراض نسل آنها گلایه می کند:

از حکیمان خراسان کو «شهید» و «رودکی»
«بوشکور بلخی» و «بوالفتح بُستی» هکذا

دربارهٔ ابیاتِ آفرین نامهٔ و تأثرات آن از نفس شناسیِ یونانی و ایرانیِ قدیم (که بیش از همه در کتاب ارزشمند «دینکرد» و «مینوی خرد» آمده است) و نیز خصوصاً دربارهٔ تأثیرات بوشکور بر فردوسی و چگونگی پرورده شدنِ مفاهیم بنیادین اندیشهٔ فردوسی (مانند «داد» و «خرد» و «سخن»و غیره) بیشتر خواهم نوشت.

ماهیت و چیستی شادی

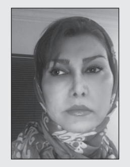

رابعه‌موحد

اسپینوزا می‌گوید :شادی به گذار اندام‌واره‌ها به وضعیتی کمال یافته‌تر ربط دارد .این تعریف مورد قبول علم عصب روانشناسی هم می باشد .وضعیتی کمال یافته تر، بدین معناست که هماهنگی کارکردی بیشتری بین اندام‌واره‌ها وجود دارد که توان و ازادی عمل را افزایش می دهد و گرایش به زندگی و مراقبت از خود را افزایش می دهد . لازم به ذکر است که اندوه نیز با وضعیت های نامتعادل کارکردی در ارتباط است و مستقیما با فرو رفتن در افسردگی وکناره گیری از زندگی رابطه دارد .ما نمی توانیم بدون اشاره به اندوه در بارهٔ شادی حرف بزنیم چرا که سنجش میزان اندوه به درک ما از میزان شادی کمک خواهد کرد

و ما را در درک ماهیت این احساسات یاری خواهد کرد .احساس ها، حس گر های ذهنی درون اندام‌واره‌ها هستند، انها به ما اجازه می دهند از وضعیت جاری حیات مطلع شویم .احساس ها به تجلی ذهنی تعادل و هماهنگی و یا تعارض و ناهماهنگی در ژرفای جسم یا اندام واره اشاره می کنند. ما نمی توانیم بدون اشاره به اندوه از شادی سخنی بگوییم، زیرا شادی و اندوه محک میزان توان ما در رساندن خود به وضعیت بقای مطلوب است. الاکلنگی وجود دارد که اگر کفه ای بالا رفته ، بی شک دیگری پایین امده است .پروفسور آنتونیوداماسیو تعریف زیبایی از شادی و اندوه دارد :شادی و اندوه مکاشفه هایی ذهنی در بارهٔ وضعیت حیات هستند .بر خلاف باور مردم که احساس را پوچ وغیر قابل اتکا و بیشتر اوقات خطاکار می دانند، احساسات به وضعیت حیات در ژرفای درون شهادت داده و تن به سانسور ها و مصلحت اندیشی ها نمی دهد و وضعیت نامتعادل حیات را بی وقفه گزارش می دهد .از این روست که ما برای ادامه هر راهی به تایید احساس مان نیازمندیم .بنابراین می توان گفت شادی یعنی میزان قابل قبولی از تعادل و هماهنگی حیات، درون جسم یا اندام‌واره‌ها .سلول های زنده با این ظرفیت به وجود می ایند که حیات را تنظیم کنند و از این طریق بقا را امکان پذیر می سازند. زمانی که اب بدن کم می شود حس تشنگی، ما را از این موضوع اگاه می کند و ما به سوی اب می رویم .احساسات و عواطف نقش مهم تر و حیاتی تری را به عهده دارند، میل به حیات و یا میل به فنا را در ما فعال می کند و ما را از سطح خواسته ها ونیازهایمان اگاه می کند نیازها و تمناهایی که اگر محقق نشود یا امیدی به تحقق ان نباشد ، میل به نوشیدن اب گوارایی را هم که در دست داریم از بین می برد و تلاش برای بقاء را بی معنی وپوچ می کند . شاید این مطالب تصورات شما را از فکر واحساس به هم بریزد و بی شک اتفاق بدی نخواهد بود .روانشناسی هیجان مدار می گوید» من هستم چون احساس می کنم» چرا که فکر در سطح بعدی حیات مطرح می شود .تفکر به معنی عصب شناسی، احساسی طولانی مدت است و احساس ، تفکری کوتاه مدت . اما انچه قدمت دارد همان تفکر کوتاه مدت است .همان بادی گاردی که ما را از جنگل ها وغارها به سوی امروز راهنمایی کرد .پیروی انسان کهن از حس هایش باعث بقاء وتکامل بیشتر سیستم مغز واعصاب او شد. فراموش نکنیم که فقط ۵۳ هزار سال است که مغز ما به شکل امروزی در امده است وکلنگ زیر بنای تفکر و استدلال را غریزه وحس های ما از میلیون ها سال پیش زده بود ، همان توانمندی بزرگ انسان که ما امروز ان را متهم درجهٔ یک خطاهای خود می نامیم و با قدر ناشناسی از ان برائت می جوییم .سطح دوم و جوان مغز که تفکر طولانی مدت را به عهده دارد در سایهٔ عملکرد درست احساس بوجود امد . کاربرد تفکر سریع، صرفا برای چاره جویی و حفظ حیات بوده است و به جادهٔ قدیمی یا پایینی معروف است و جادهٔ بالا بر روی ان و بسیار نزدیک به انسان امروزی شکل گرفت و توانست با تامل بیشتری وضعیت مطلوب و نامطلوب را بررسی کند . نام این پروسه را تفکر گذاشته ایم و جالب اینکه این دو بخش همچنان رابطهٔ تناتنگی با هم دارند و بر خلاف تصور ما تفکر و احساس درهماهنگی وتعادل با هم کار می کنند و سلامتی روانی وصلح با خویشتن را رقم می زنند .هیچ تفکری بدون تائید احساس نمی تواند صلح وارامش درونی را به ما ارزانی دهد و به تضاد و بی ثباتی شخصیتی می انجامد .

اکنون به بحث در بارهٔ شادی بپردازیم .

ما حسی که پس از ارزیابی دنیای درونی وبیرونی می تواند به ما بگوید که اوضاع خوب است، فرصت عمل وتجربه است ، توان رشد و تعادل بیشتر باز است ، به نام شادی می شناسیم .بخشی از این فضای مطلوب مربوط به جامعه و شرایط زندگی ماست . در کدام کشور ،کدام قاره و کدام طبقه اجتماعی وکدام خانواده خانواده متولد شده ایم وچه حجمی از مولفه های شادی می تواند از ان ما باشد . بنابر این شکی در نقش محیط وجود ندارد اما بخشی دیگری که موضوع بحث روانشناسی می باشد نقش خود فرد در ایجاد فضاهای رشد وتکامل برای خود است .و اگر از این موضوع هم عبور کنیم به نقش خود در نابود کردن فضاهای مناسب و بی اعتنایی به توانمندی خودمان در تحقق استعداد هایمان پی می بریم .نوع تفکر ما که از تربیت وفرهنگ نشات می گیرد بر دیدگاه ما از خود و نقش خود در زندگی سعادتمندانه تاثیر می گذارد . نقل قولی از روانشناس معروف ، البرت الیس ، ورد زبان من است که همواره برای خود و برای مراجعانم تکرار می کنم ، که می گوید : غفلت سودمند والدینم از من البرت الیس ساخت .ما هرگز غفلتی را سودمند تفسیر نکرده ایم .چه بر سد به غفلت والدین ،اما البرت الیس که مادری میخواره و پدری غایب از خانه داشت از کودکی خود را در خیابان ها دید و خود را بزرگ کرد، توانست بزرگترین روانشناس معاصر شود .خود او معتقد است که باورها و تفسیر ما از خود و دیگران و زندگی در نحوهٔ عملکرد و شکست و موفقیت های ما موثر است .همهٔ اسباب و لوازم و رسیدن به وضعیت مطلوب حیات و یا همان شادی و یا فرو رفتن در قعر ناامیدی مربوط به دیگران نیست . اگر فکر کنیم که همهٔ دنیا و اطرافیان و امکانات باید در جهت شاد ساختن ما در حرکت باشند هرگز شادی واقعی را تجربه نخواهیم کرد .معنای زندگی و روایت منحصر به فرد ما از زندگی و اهداف دور و نزدیک ما مغزمان را به تلاش وتکاپو وامی دارد .ایجاد انگیزه و باور به مسئولیت فردی بخش عظیمی از مشکلات ذهنی وروانی ما را حل می کند . تغییر خود و دنیای پیرامون خود برای دستیابی به زندگی بهتر گر چه راهی دشوار اما شادی بخش است .قبول مسئولیت فردی در بارهٔ نوع و سبک زندگی فردی و اجتماعی مان، ما را از افتادن در گرداب ناامیدی واندوه نجات می دهد و قبول قانون کاشت و برداشت ما را به تفکری عمیق فرا می خواند که چه باید کاشت ؟__

نقدی بر جزوهٔ «روشنفکری: آگاهی کاذب و ایدئولوژی»

استتار روشنفکری در غیابِ خود آگاهیِ کل

امیر برهان–آنکس که خود را عمیق می داند، تلاش می‌کند که واضح و شفاف باشد. آنکس که می‌خواهد در نگاه توده مردم عمیق به نظر آید تلاش می‌کند که مبهم و کدر باشد.

روزی که تصمیم گرفتم جزوهٔ آگاهی کاذب و ایدئولوژی را مطالعه کنم ، به هیچ وجه تصور نمی‌کردم با تورقی در مطالبِ آن، توانسته باشم ظهور روشنفکری جدید در ایران را شناسایی کُنم. اما به تدریج که با متن اصلی ارتباط بر قرار کردم، قطع نظر از اینکه متوجه شدم صاحبِ نوشَتار هیچ نوع استقلال رأیی در مسایل فکری ندارد، و صرفاً با تکرار مباحثی که پیشتر بیان شده بود، نوعی مصادره در مباحث داشته، ولی از این موضوع نمی‌توانستم چشم پوشی کنم که صاحب جزوه، چگونه تلاش کرده تا خود را از مرکز جاذبهٔ روشنفکری دور کند. اما متأسفانه از آنجایی که چاه ویل روشنفکری بسیار قطور و گسترده است، هرکسی را نمی توان باور داشت که توانسته باشد از جاذبهٔ روشنفکری جان سالم به در برده باشد. از قضا چون صاحب نوشتهٔ آگاهی کاذب و ایدئولوژی، چنین توانایی‌ای را نداشته، لاجرم برای گریز از این جاذبه، با توسل به مصادرهٔ کردن مطالب، سعی داشته جای پایی برای خود محکم کند. به طوری که در این جزوه نمی توان صفحه ای را پیدا کرد، که با زاویه غیر مصادره‌ای به مسایل فکری پرداخته باشد. چگونه ممکن است مؤلفی، بدون اینکه استقلال رأیی از خود نشان دهد، از جیب دیگران برای تاختن به سایرین خرج کند، ولی در تهی بودن علم خویش فاقد آگاهی باشد. آیا این نمونهٔ جالب توجه، جلوهٔ دیگری از آگاهی کاذب نیست؟ برای نمونه، مؤلفِ آگاهی کاذب و ایدئولوژی، در پاورقی یکی از صفحات، با آوردنَ نقل و قولی ، به اصطلاح بر رضا داوری می تازد که گویا داوری نمونهٔ جالب توجهی از بی‌بهره بودن از فضیلت خاموشی در عین جهل است.۲ در حالی که برای هیچ کس پوشیده نیست که مؤلف آگاهی کاذب و ایدئولوژی، خودْ به طرق مختلف و با وام‌گیری های متعدد از مباحث جواد طباطبایی و سایرین، و همچنین با موضع‌گیری کلی از نظرگاه ایشان، نه تنها صفحات کاغذ از «تکرار گویی» سیاه کرده، بلکه در نهایت راه درستی که پیشتر در حال اثرگذاری بود را به انحراف کشید است. اینکه تصور کنیم از موضعِ نقادی بصورت تند و تیز می شود بر شیوهٔ اندیشیدن روشنفکرانه تاخت و به امید این که با فائق آمدن بر آن، امکان خروج از روشنفکری میسر می شود، نه تنها به منزلهٔ داشتن آگاهی حقیقی نیست، بلکه عینِ خام اندیشی است. چنانکه مؤلفِ آگاهی کاذب و ایدئولوژی، هنوز به آن درجه از آگاهی نرسیده است که بداند پیش از تکوین – موضوع اندیشیدن–، امکان خروج از روشنفکری امکان پذیر نیست. و هر قدر اصرار بورزیم که با نقادی کردن در شرایط – فاقد نظام فکری جدید– می‌شود بر روشنفکری فائق آمد، تصوری پوچ و محال است. زیرا «موضوع اندیشیدن» در شرایط کنونی، تازه در حالِ مسیر یابی و نظام سازی است. یعنی موضوع آگاهی یابی ما از منظرِ امر ملّی، (که البته آبستنی از مفاهیم ژرف است) تازه در آستانهٔ پیمودنِ راهی‌ست که در غایت می تواند موضوع خودش را، یعنی مضمونِ ایران را بازنمایی کند. در صورتی که در شرایط فعلی با وجودِ آن که مباحث جدیدی از سوی جواد طباطبایی مطرح شده، اما محتویات آن هنوز به مرتبه‌ای نرسیده است که بشود استنتاج کلی به دست آورد . به سخنِ دیگر، ما کماکان «صورتِ معقولی» ناشی از استنتاج نظری از ایران را در دسترس نداریم. و این خود حکایت از آن دارد که وجوهِ آگاهی یافتن، با موانعی روبروست که نمی توان آنها را نادید گرفت. هرچند احتمال دارد برخی از افراد وانمود کنند که صورت معقول ایران، به آن درجه‌ای رسیده است که بتوان به وجوه آن آگاهی یافت. و از این حیث، می توان با تکیه بر آن، موضع گیریِ سختی در برابر روشنفکری داشت. اما به رغم این دیدگاه، نگارندهٔ بر این باور است که – موضوع اندیشیدن در بابِ ایران– با وجود این که در شرایط فعلی در حالِ مسیر یابی برای فهِم خودش است، اما به نظر می رسد مهم‌ترین عاملی که باید مورد توجه قرار گیرد ، این است که بتوانیم این آگاهی تاریخی را به محکِ دوران جدید بزنیم. چراکه به طور مثال، سنّتِ مداران اهل شریعت هم، در دوره‌ای با مبنا قرار دادن شالودهٔ دین و دولت، تلاش داشتن ثابت کنند دلایل انحطاط کشور نه به علتِ مواجههٔ آن با الزاماتِ دوران جدید، بلکه سستی در عصبیتِ دین سبب ساز آن بوده است. این بدان معناست، موضوع تفکر در زمانی که انفعال دامن ایران گرفته بود، در دوره ای، با پیوندی که به مبادی «نظام سنّت قدمایی» خورد، راهی را برای بازیافتن پیدا کرد که تنها با برآمدن نظام اسلامی می توانست پاسخی به این رویکرد باشد. زیرا این نوع آگاهی از «نظام سنّت»، ناشی از خط مشی بود که ایران را تا آن زمان، بر پایه هایشْ نگه می داشت. و ممکن نبود جز بر پایهٔ این خط مشی، امکانات جدیدی در قلمروی نظر و عمل به دست دهد. همچنین از نظر مشروعه خواهان، نظام سنّتْ ، دارای منظومهٔ خاص خودش بود که تنها با هنجارها و شاخصه های تاریخی‌اش امکان پایداری پیدا می کرد. و اگر چنانچه تفسیرهای جدیدی به درون آن راه می‌یافت، صورتِ تاریخی آن به عنوانِ « سنّت به هم پیوسته» از بین می رفت؛ و همان طور که شیخ فضل الله نوری هم پیشتر گفته بود، هر تغییری در ماهیتِ نظام سنّت، نوعی بدعت به شمار خواهد آمد. و از قضا پس از اندک زمانی معلوم شد که نظر مشروعه خواهان درست بوده است. چراکه جنبش مشروطه خواهی ایران به علت آنکه فاقد نظام فکری جدیدی بود، نمی توانست به غیر از مبانی سنّت قدمایی به چیزی دیگری تکیه کند، و از آنجایی که نظام سنّت به لحاظ تاریخی و هنجاری، قادر به تحمل چنین تغییراتی نبود، در نهایت مشروطیت ایران را به یک بدعت بزرگ تبدیل کرد. بنابراین روشن است که هر نوع آگاهی، حتی آگاهی جدید از سنّت، نمی تواند به منزلهٔ رسیدن به سرانجام نیک باشد. پس چنین می نماید که مبانیِ آگاهی نوآیین باید بصورت مستقل و بر پایهٔ خودش فهمیده شود و استوار گردد. در غیر این صورت امکان تحقق آن غیر ممکن می شود. از طرف دیگر، بنیانِ متفاوتی از «سنّت»، در کانونِ فکریِ ایرانیان وجود داشته که متولیانَ آن را می توان از زرتشت تا سهروردی و نیز در سال‌های اخیر به غلامحسین دینانی اشاره کرد، که این سنّت فکری را با تمام سختی‌ها زنده نگه داشته اند. این بنیانِ فکری، با وجود اینکه تنها در برخی از ادوار تاریخی کامیاب بوده، با این حال در قلمروی حکمت و فلسفه همیشه در مرکزِ تفکر ایرانیان قرار داشته است. ولی به موازات این سنّت، همان طور که پیشتر هم گفتیم سنّتی از حیثِ مشروعه‌خواهی وجود داشته است که به طور عمده در ادوار تاریخِ بر تمام شئونِ انسانی مسلط بوده است. به همین علت خواسته و یا ناخواسته سنّتِ فلسفیِ ایران را در طول تاریخ متأثر از آن کرده است. به طوری که امروزه سنّت فلسفیِ ایران، به لحاظ ظاهری هیچ تفاوتی از منظر عُقلایی بودن آن با مبادیِ شرع ندارد، گویی که این شیوهٔ اندیشیدن از سنخ سنّتِ مشروعه‌خواهی است. در صورتی که وقتی پرتویی به شیرازه‌های آن می افکنیم، با وجود آن که هیچ نسبتی با نظام سنّت قدمایی ندارد، اما تنقیح و تمیز آن و بیرون کشیدن محتوای درونی‌اش از دل نظام قدمایی کار بسیار مشکلی است. البته تا آنجا که من اطلاع دارم، جواد طباطبایی و غلامحسین دینانی این کار سترگ را به عهده گرفته اند، و فکر می‌کنم از برخی جهات هم توفیق یافته اند. با این حال به نظر می‌رسد با کارهایی که ایشان انجام داده اند، این امکان ایجاد شده تا مقدمات لازم برای ایستادن در نوع تفکری که با منطق عقلی بتوان امور انسانی و فرهنگی را با آن توضیح داد فراهم گردد. این سخن ناظر بر این واقعه است که امروزه بویژه در چهار و پنج سال اخیر، حرکت در مسیر آگاهی یابی نوآیین، در حالِ متحول شدن است. و اینک می توان با تکیهٔ بر آن، امکانات نظری جدید را برای الزاماتِ دوران جدید ایران به دست آورد. و گمان می رود در سال‌های آتیِ تحولات بسیاری را در این عرصه تجربه کنیم. با این همه، کوشش‌هایی که در چند دههٔ اخیر صورت گرفته، اما هنوز آگاهی یافتن از موضوع امر ملّی ، کماکان با هاله‌ای از ابهام و تناقض روبرو است. و این خود مانع از آن می‌شود که در فرآیند آگاهی یابی ، به یک علم دقیق و نوآیین دست یافت. زیرا مسلم است که ترتب آثار علمْ در شرایط شناخت شدن غایت آن چیزْ می تواند در ذهنْ نمود پیدا کند؛ و بطور واحد و کلّی، صورت معقول خودش را با تمام صور جزئی، در یک «مفهوم کلی» منقش کند. در حالی که چون هنوز پیچیدگی و تناقضات عدیده در محتوای مفهوم ایران وجود دارد، به این سادگی‌ها امکان علم پیدا کردن میسر نمی‌شود. یعنی موضوع تفکر در کلیت آن به علت اینکه به درجه‌ای از صور حقیقی مترتب نشده، امکان آن را نمی دهد تا در شرایط کنونی از محتویات آن آگاهی یافت. چه برسد به این که از موضع آن به نقادی پرداخت. و این خود نشان می دهد که مؤلفِ آگاهی کاذب و ایدئولوژی، چون قادر نیست به صورت منفرد، به بخشی از مسایل فکری ایران توجه کند، و با استقلال رأی، توضیحی در بابِ مسایل ناروشن دهد؛ تنها با قبضه‌نویسی سعی کرده جلوهٔ جدیدی به روشنفکریِ ایران ببخشید. اگر قرار بر این باشد با تقلید کورکورانه، در جهت دست و پا کردن نامی برای خود بر آییم، چگونه می شود با تهی بودن از دانشِ لازم، جزوه‌ای نوشت که مضمون آن نقد آگاهی کاذب و ایدئولوژی است. این سخن نگارنده در زمانی گفته می‌شود که ایران برای نخستین بار به یک موضوع فلسفی تبدیل شده است. و اگر هر اندیشمندی قصد دارد خدمتی به این سرزمین کند، باید بصورت هماهنگ مسایل بنیادین ایران را بخوبی بشناسد، و با التفات به دنیای جدید، در مسیر آگاهی یابی نوآیین از ایران گامی درست بر دارد. شکی در آن نیست که روشنفکریِ ایران، از زمان عصر زرین خود، که در دورهٔ ناصری تا حدودی مسیر درستی را پیمود، اما از بد حادثه، و منحرف شدن جریان آن، تاکنون شرایط امکانی به وجود نیآمده است تا طیف روشنفکری ما بتوانند در کانون فکری میهن خود اشتغال بورزند. این نه مشکل طبقهٔ روشنفکری، که مشکل در نبود اندیشمندان نادری همچون جواد طباطبایی بود که نتوانستند پیشتر در مسیر تفکر، راه آگاهی نوآیین در ایران را هموار کنند. بدیهی است که از زمان فراهم آمدن مقدمات مشروطه خواهی، و در فقدان مبانی نظری جدید، هیچگونه موضوع اندیشه‌ای جز تئوری‌های مبتذل و سطحی در میان محافل روشنفکری مطرح نشد، تا بواسطهٔ آن، مرکز ثقلی برای تفکر آنان باشد. ولی خوشبختانه در زمانه ای که ما زندگی می کنیم، این مسیر هموار شده، و موضوع تفکر در باب ایران نیز ، اکنون در کانون اندیشه قرار گرفته است؛ و بی شک روشنفکران ما در سالهای آتی خواهند توانست خود را وارد این میدان کنند. در صورتی که مؤلف – آگاهی کاذب و ایدئولوژی – بی‌آنکه به تحولات جدید در روزگار ما توجه کند، و دیدگاه خود را بصورت «همزمانی» توضیح دهد، همچنان در حال و هوای دههٔ قبل جا مانده است، و اساساً مطالبی که به آن پرداخته، بجای اینکه یک گام به پیش نهاده باشد، دو گام به پس نهاده و در نتیجه فاقد اهمیت است.

درست است که « با سیطره‌ای که ایدئولوژی‌ها از نیم سدهٔ پیش پیدا کرده اند، به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی آگاهی یابی نوآیین ایرانیان جز از مجرای نقّادیِ ایدئولوژی‌ها، یعنی ایضاح منطق سیطرهٔ آگاهی کاذبی که در میدانِ معرفتی ایدئولوژی‌ها تکوین پیدا کرده است، امکان پذیر نخواهد بود.»۳ اما به هر حال نمی توان منکر این موضوع شد که جواد طباطبایی شخصاً با نقادی منطقی، این راهِ سترگ را پیموده است، و دیگر لزومی ندارد که بار دیگر همان سخنان را به ظاهر متفاوت تکرار کنیم. مؤلفِ آگاهی کاذب و ایدئولوژی می نویسد: «از این آشوب فکری و توهّم تولیدِ علم فراتر رفتن– که تلاش برای عبور از در تنگ آگاهی تاریخی و نوشتن چیزی است که دکتر جواد طباطبایی با وام گرفتن از بیهقی و پرداختن آن، «تاریخ بیداری» نامیده است – مستلزم خروج از شیوهٔ اندیشیدن روشنفکرانه و سنجش وجوهِ آگاهی کاذبی است که تداوم خالی شدن مفاهیم از مضمون زیر لوای آن، جز نابودیِ بنیان آگاهی تاریخی نمی تواند باشد.»۴ بله حقیقتاً جز این نمی‌تواند باشد. اما واقعیت این است که نمی شود در غیاب– صورت معقولی از ایرانْ– که خود را در یک نظریهٔ تاریخی بازنمایی می کند، شرایطِ بیداری را برای ایرانیان میسر کرد. چه برسد به آنکه خروج از شیوهٔ اندیشیدن روشنفکرانه امکان پذیر باشد. زیرا تا وقتی که اجزای صوری در شناختِ ایران، به دلیل وجود خلاء در مبانی، سبب‌ساز بحرانِ آگاهی می‌شود، ساده لوحانه است که تصور کنیم در غیابِ شناساییِ علّت آن، می توان منشأ اثراتِ بیرونی را در معلولات جستجو کرد. به عبارت دیگر، درست است که ایرانیان دارای نظریهٔ تاریخی هستند، که با نیرو گرفتن از جهان بینی‌شان، گامی در تاریخ جهان نهاده‌اند؛ ولی تا زمانی که اجزای از هم گسستهٔ این نظریه، بار دیگر به هم پیوند نخورد و از نو بازتعریف نشود، امکان دریافت «علم» برای ایرانیان، بویژه برای روشنفکران، مقدور نخواهد بود. چراکه ایران پس از آنی‌که گامی در تاریخ جهان نهاد، و نیز بعد از تحمل ضرباتی که بر پیکرش فرو آمد (مانند حملهٔ اسکندر مقدونی و ...)، از درون، بویژه از نظر محتوای فکری، تغییراتی را پشت سر گذاشت که در نهایت شیرازهٔ اصلی ایران در ادوار تاریخ ناکام ماند. و عملاً وجوه نظری ایران در قلمروی اندیشه و عمل نتوانست به صورت اصل اولیه استوار بماند. از سوی دیگر مهم‌ترین رخدادی که در ناکامی مبادی ایران اثر منفی گذاشت، انقلاب اردشیر بابکان بود که در حوزهٔ نظر و عمل، مرکز ثقل تفکر در میان ایرانیان را از حوزهٔ فلسفه و منطق عقلی، به حوزهٔ الهیّاتی سوق داد، و از آن پس، همان طور که بارها در جای دیگری گفته ام، «سنّت مشروعه خواهی ایران» را با «شریعتِ مزدیسنا» پایه گذاری کرد. و حتی پس از فروپاشی ساسانیان نیز، این سنّت در بین ایرانیان باقی ماند، و از قضا در تداوم فرهنگی در دورهٔ اسلامی، بصورت یک سنّت تاریخی، سبب‌ساز نظام های سیاسی بعدی در ایران شد. یعنی این «سنّتْ» عملاً خط مشی مداومی را به تاریخ ایران بخشید که حتی تا فراهم آمدن مقدمات مشروطه خواهی هم، نقش محوری را در مناسبات سیاسی اجتماعی ایرانیان بر عهده داشت. افزون بر آن، این انقلاب نه تنها در قلمروی نظر، که در حوزهٔ عمل هم در قالبِ شاهِ دارای فرّهِ ایزدی (آگاه از شریعت) تجلی یافت. به این معنا که شاهِ دارای فرّهِ ایزدی، نمایندهٔ دستگاه شریعت مزدیسنا بود که نظام اخلاقیِ مزدیسنا را در امور دنیوی پیاده می‌کرد. به این امید که، نظام اخلاقی مزدیسناییْ دروازهٔ عروجی باشد در جهتِ تحقق یافتنِ مدینهٔ فاضله. البته مدینه‌ای که از سنخ ایرانشهر مقدس بود.۵

خلاصهٔ این بحث ناظر بر چند نکتهٔ مهم است که در سطور پایین اشاراتی به آن خواهم کرد . نخست اینکه گفته شد ما در شرایط فعلی به دلیل تناقضی که از نظر مبانی نظری در ایران داریم، به آن صورتی که باید، صور نظری ایران بازنمایی نشده است. و از این نظر ما تازه آغاز راه هستیم. و تا زمانی که وجوه نظری ایران به طور کلی از مفاهیم مجهولْ تنقیح و ایضاح نگردد، هیچ امکانی برای آگاهی یافتن از ایران فراهم نخواهد شد. از این سخن چنین بر می آید که در واقع ما به آن درجه‌ای از آگاهی تاریخی نرسیده ایم که با تکیه بر شیرازه‌های اصلی آن، بتوانیم استنتاجی کلی از مبانی آن را استخراج و سپس با الزاماتِ دنیای جدید توضیح دهیم. دوم اینکه: اگر چنانچه این مبانی در قالبِ یک مفهوم نابْ قابل توصیف باشد، کار مهمی که باید صورت بگیرد این است که امکانات محکمی در مبانی نظری آن وجود داشته باشد تا در جدال نظری با سنّت قدمایی، بتواند از خود دفاع کند. زیرا چنانچه اگر مبانی نظری ایران به درستی وصف شود، و نیزْ روی منطق تاریخی‌اش بایستد، خود به خود، صورت قضیه قابل دفاع خواهد بود؛ بدون این که نیاز باشد با «مغالطه‌کاری» سعی در اعمال کردن آن را داشت. این روشی است که بر خلافِ ایدئولوژی ها نیاز به شانتاژگری ندارد. در حالی که قبضهِ نویسِ آگاهی کاذب، بدون توجه به این مسایل، به همان منبعی چنگ می زند که خود منتقد آن است.

باری تمام این موارد حکایت از آن دارد که در شرایط کنونی با اینکه نوکِ پیکانِ نقادی به سوی روشنفکری برده شده است، اما گیرندگان اینِ پیکان، نمی‌توانند از جاذبهٔ روشنفکری رهایی یابند. به همین خاطر با رویکرد انتقادی، خود را در پوششی نو استتار می کنند تا بلکه سایرین از جایگاه آنها مطلع نشوند. در صورتی که این پنهان کاری‌ها مانع از آن نمی شود که پرده از چهرهٔ روشنفکری جدید ایران نیافتد. با این اوضاع و احوال، مؤلفِ آگاهی کاذب، با عادتی که در «تصرف نویسی» دارد، می‌نویسد: «تکرار این نکتهٔ مهم که روشنفکری، موضعی در مناسبات قدرت و وضعی در رابطهٔ نیروها است، نباید با تعابیر دم دستی چون «سیاست زدگی» لوث شود. «سیاسی بودن» – و البتّه چیزی از «سیاست» ندانستن – نه امری عارض بر روشنفکری، بلکه مؤلفهٔ اصلی هویّت آن است. بلعجبی آن نیز نه در شرکت روشنفکران در امر سیاسی – که حقّ تمام شهروندان است – بل آن جا است که این «سیاسی بودن»، مبنایی برای بحث در حوزه‌های معرفتی و تولید علم قرار می‌گیرد.»۶ در واقع این سخن از زبان کسی جاری می شود که خود او در سیاسی کردن بحث معرفتْ نمونهٔ مثال زدنی است. چنان‌که اگر ما مفهوم «سیاست» را در دوران جدید به معنای دانشی در باب قدرت برشماریم، در این موضوع نمی‌توان تردید داشت که «قدرتْ» حاصل چیرگی و غلبهٔ یافتن چیزی بر چیز دیگر است. یعنی مفهوم «قدرت» به معنای دقیق کلمه، قطع نظر از اینکه در قلمروی عمل به وقوع بپیوندد و یا در حوزهٔ نظر، غایتِ آن، انگیزه ای است که در شرایط غلبه یافتن نمود پیدا می‌کند. و از آنجایی که قبضه نویس ما در سراسر جزوه‌اش، با قصدِ چیرگی بر (داوری، شایگان، دوستدار و ...) اقدام به عمل کرده، اما از این مسئله غافل مانده است که روش او نتیجهٔ عکس را در پی داشته و اساساً تمام رشته‌های او را پنبه کرده است.

واقعیت این است « اگر [گفتن] حقیقت به رسوایی می انجامد، استقبال از رسوایی بهتر است تا ترک حقیقت.»۷ چراکه در غیر این صورت اگر از گفتنِ حقیقت شانه خالی کنیم، همان طور که «قبضه نویس» ما مکرراً از گفتن آن گریزان بوده است، به تدریج سنگ بنایی خواهد شد که گویی هرکسی می تواند با روشی نو و متنوع، سرپوشی بر طیفِ روشنفکری ایران بگذارد. در حالی که در شرایط کنونی مسایل پیچیده ای در قلمروی اندیشهٔ ایران، بویژه در حوزهٔ سیاسات آن وجود دارد، که بجای پرداختن به آنها، نباید انتظار تحولی شگرف از مباحث حاشیه ای را داشت. زیرا بدیهی‌ست که با حاشیه سازی کاری صورت نخواهد گرفت. بلکه باید مستقیماً به کانون تاریخ اندیشه متمرکز شد، تا بتوان در ژرف‌ترین نقاط آن، در جایی که خاستگاه ایران از آن بر آمده، به سرچشمه هایی رسید که امکان ایستادگی و دفاع از ایران را به ما بدهد. و این مهم، تنها با توضیح دادن مفهوم ایران می‌شود به یک درک فراگیر رسید. احتمالاً از آن پس، امکانی فراهم خواهد شد تا در ساحت علمی، آگاهی نوینی بر اساس حیثِ «خودآگاهی کل»۸ پدیدار شود. و به اعتبار آن هم، بنای علمی کشور بر پایه‌هایی آن بایستد. بنابراین روشن است تا زمانِ فرا رسیدن دریافت کلی از شیرازه های تاریخی ایران، که ناظر بر ورودِ ایران به تاریخ جهان است، نمی‌توان دمی از «آگاهی» و «بیداری» زد. چراکه ما در وضعیتِ کنونی کماکان تهی از «خودآگاهی کل» هستیم.

اگرچه در چند دههٔ اخیر، دربارهٔ فهم ما از ایران تزهایی به میان آمده است، اما همان طور که روشن است این تزها قادر نبوده اند تا به معنای واقعی کلمه، صورتِ معقولی از ایران را در ساحت ذهنی ارتسام ببخشند. زیرا اگر پرتوهای معرفتی آنها قوت حقیقی داشت، هیچگاه در مسیر آگاهی یافتن، با مانعی تحت عنوان «مشکل» روبرو نمی شد. پس اگر در چنین وضعیتی، ایرانْ و نسبت آن با دوران جدید به یک «مشکل» تبدیل شده، بی تردید علت مشکل را باید در عدم «خودآگاهی کل» دانست و نه صرفاً روشنفکری: آگاهی کاذب و ایدئولوژی. بنابراین وقتی ما با چنین موقعیتی مواجهه هستیم، باید بدانیم که با تهی بودن از آگاهی‌ناب، نمی توانیم نقدی بر آگاهی کاذب وارد کنیم. زیرا نقادی کردن در چنین شرایطی، خودْ نشان دهندهٔ آن است که در دام آگاهی کاذب افتاده‌ایم. و از آنجایی که قبضه نویس ما به این اصل بنیادینْ واقف نبوده، سخن گفتن از جایگاه منتقد، بی درنگ نتیجهٔ عکس را به دنبال خواهد داشت. کمااینکه جزوهٔ « آگاهی کاذب و ایدئولوژی» نمونهٔ بارزی از این مسئله است.